

حقیقت از لوله تفنگ بیرون نمی آید

اقتدارگرایی در مدیریت، هم آزادی ارتباطات را کور می کند و هم

مانع افزایش «دانایی» مردمان می شود

دکتر حسین ابوترابی

در نوشتاری که به همین قلم در شماره گذشته «گزارش» چاپ شد، به این نتیجه گیری رسیدیم که در قرن اطلاعات و ارتباطات، مهم ترین عامل قدرتمندی، نه زور و نه زر، بلکه دانایی است (توانا بود هر که دانا بود)، و قدرت دانایی در قرن ۲۱ نیز عمدتاً مرهون «آزادی ارتباطات» است. ضمناً توضیح هم دادیم که مقررات مربوط به میزان بهره گیری مردم جامعه از آزادی ارتباطات را سیاست های ارتباطی تعیین می کند، و مهم ترین اقدام برای تدوین یک سیاست ارتباطی کارآ، کوشش برای بازداشتن مدیران جامعه از دو عمل مخرب و کاهنده آزادی هاست: (۱) ابهام انگیزی در ارائه اطلاعات (۲) میل به اقتدارگرایی در مدیریت امور.

مبهم گویی و عدم شفافیت در ارائه اطلاعات و اخبار، مهم ترین آفت دانایی است. و به همین دلیل، هم آزادی کسب اطلاعات را تحدید می کند و هم باعث تهدید آزادی ارتباطات می شود.

این وضع در مشرق زمین و بخصوص در کشور ما بقدری نهادینه شده که گوئی اگر کسی روشن و پاکیزه و بی ابهام چیزی گفت یا نوشت، خود را تحقیر کرده و از اعتبار انداخته است. به همین جهت در قلمرو زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما، کمتر موردی می توان یافت که آکنده از ابهام نباشد (امور امنیتی و نظامی که جای خود دارد).

علاقه ما کلاً به سمتی است که گوئی ناچاریم مسایل را مبهم رهاکنیم، حرفهای مبهم بزنیم،

واژه های مبهم بکار گیریم، قوانین و ضوابط مبهم وضع کنیم، عقایدمان را در پرده ابهام نگه داریم و خلاصه این که ساده ترین، روشن ترین و شفاف ترین مطالب را به گونه ای مطرح می کنیم که گوئی مشغول طرح معما هستیم.

مدیران جامعه هم هر وقت خواسته اند یا مجبور شده اند موضوعی را بشکافند یا به اصطلاح ابهام زدائی کنند و مثلاً «جزئیات مسأله را با مردم



در میان بگذارند»، آنقدر کلی گویی کرده و به نعل و میخ زده اند که عاقبت فقط به ابهامات افزوده اند. ابهام انگیزی چنان مارادرتارو بود خود اسیر کرده که حتی در امور فرهنگی و هنری، اغلب به خواسته های مردم و سؤال هایشان پاسخ مبهم داده می شود. سابق براین، در وزارت ارشاد برای بسیاری از متقاضیان انتشار کتاب، بی هیچ دلیل و در حالی که موضوع کاملاً مبهم مانده بود، مجوز صادر نمی شد و آنها را سرگردان و معطل نگه

می داشتند. یا بعضی کتابها را که مجوز داده بودند، پس از انتشار کتاب، بدون دلیل موجه توقیف می کردند و موضوع مبهم می ماند. امروز هم همین کار را می کنند. منتها قبلاً با قیافه عبوس و امروز با قیافه خندان!

در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی تقریباً همه رد صلاحیت شده های یکصد می گفتند که علت رد صلاحیت آنها برایشان مبهم است، و یک مقام شورای نگهبان در جواب آنها گفت: «برای حفظ حیثیت افراد، دلایل رد صلاحیت آنها اعلام نمی شود». اما زمانی که عده ای از همانها گفتند: شما بگوئید، نگران حفظ حیثیت ما نباشید، یک عضو شورای نگهبان پاسخ داد: «بسیاری از نامزدهایی که صلاحیتشان رد شده، هم اکنون یا پست های حساس و کلیدی دارند و یا در آینده به مدیریت های حساس گمارده خواهند شد...» دیگر ابهام از این بالاتر!!!...

پس از ماجرائی که روز ۱۳ مرداد ۷۳ به دلیل استان نشدن قزوین اتفاق افتاد، گفتند پرونده تأسیس استان های جدید بسته شد. اما چند ماهی نگذشت که ناگهان قم استان شد. دلایلش را ضرورت آباد شدن قم اعلام کردند، و چندی بعد البته قزوین هم استان شد (ابهام پشت ابهام).

پلیس قضائی توسط قوه قضائیه زاید تشخیص داده و منحل شد. اما همین قوه قضائیه پس از ۶ سال تشخیص داد که پلیس قضائی لازم است و باید تشکیل شود. قوه قضائیه انحلال دادرها را برای حل مشکل قضائی مملکت ضروری اعلام کرده بود، اما بعد از مدتی همین قوه قضائیه گفت: برای حل مشکل قضائی مملکت

یکی از آفت‌های ناشی از ابهام‌انگیزی در ارائه اطلاعات و اخبار، رشد شایعه است. و این پدیده‌ای است که مردم ایران در طول تاریخ همراه با آن خو کرده و زیسته‌اند. غیبت کردن هم نوعی شایعه‌سازی است که البته شدیداً هدفدار و نوعی ابهام‌انگیزی در خدمت مقاصد مهم عاطفی است.

در شایعه دو عامل نقش مهمی دارند: یکی اهمیت است و دیگری ابهام. یعنی شایعه = اهمیت X ابهام. ناگفته پیداست که هر کدام از این دو عامل صفر باشد، شایعه‌ای وجود نخواهد داشت و لذا اگر ابهام اطلاعاتی نباشد، شایعه‌ای پخش نخواهد شد. به عبارت دیگر: اگر جامعه آگاه باشد، شایعات رشد نخواهد کرد.

میل به اقتدارگرایی در مدیریت امور، دومین آفت آزادی ارتباطات و مانع تدوین سیاست‌های ارتباطی کارآ به‌شمار می‌آید. دلیلش این است که قدرت ذاتاً میل به تمرکز و نظارت بیشتر دارد و این به صورت قهری جریان امور را به سمت کرایش‌های خودکامانه و اقتدارگرایانه سوق می‌دهد. هرچه سطح مدیریت بالاتر باشد،

مغزش فشار آورده تا حرف‌های خود را با ابهام و گوشه و کنایه و استعاره طوری بیان کند که بتواند کجدار و مریز پیش برود و امور را به گونه‌ای بگرداند که نه سیخ بسوزد نه کباب.

به همین دلیل، مبهم و مستور ماندن جزء فرهنگ ما شده و در بسیاری موارد حتی حالت ارزشی به خود گرفته است. چنانکه در پرده قرار گرفتن، روپوشاندن، انزواگرایی، کسی را به حریم خود راه ندادن، دانسته‌ها را بروز ندادن و مخفی کردن اطلاعات پیش پافتاده، در سلك ارزش‌های اجتماعی قرار گرفته است.

شیخ بهائی این ارزشمندی را تعمیم داده و حتی آنرا با مبهم بودن شب قدر و یاناشناخته بودن اسم اعظم قابل مقایسه دانسته و گفته است:

چون شب قدر از همه مستور شد
لاجرم از پای تا سر نور شد
اسم اعظم چون کسی نشناسدش
سروری بر کل اسماء پایدش
تا تو نیز از خلق پنهانی همی
لیله القدری و اسم اعظمی

باید دادرها را تشکیل شود. هواپیمای فوکر شرکت «آسمان» منهدم می‌شود و فزونتر ۶۰ نفر از بین می‌روند. عده‌ای را به محاکمه می‌کشند، اما هرگز معلوم نمی‌کنند که جرم آنها چه بوده است و اگر مجرم هستند، چرا به مجازات نمی‌رسند؟ (۱)

ماجرای اختلاس بانک صادرات (همان ماجرای معروف به ۱۲۲ میلیارد تومان) را روابط عمومی بانک صادرات به شدت تکذیب می‌کند، اما بعد عوامل آن اختلاس به اعدام و زندان محکوم می‌شوند.

موارد مرتبط با مبهم‌گویی مقامات و پرده‌پوشی حقایق توسط سخنگویان و متصدیان روابط عمومی سازمان‌ها و نهادها، آنقدر زیاد است که می‌توان درباره‌اش کتابها نوشت. ولی عجیب اینجاست که ابهام‌انگیزی به عنوان یک آفت دانایی، در ایران باعث هوشمندی مردم شده است. یعنی یک دلیل هوش سرشار ایرانی را باید این دانست که دایم مغزش کار کرده تا بتواند ابهامات و استعارات را حل کند و به حقیقت ماجراها واقف شود. یا در سوی دیگر قضیه، مرتب به

مجله دام کشت و صنعت تنها مجله کشاورزی ایران

بر روی سایت WWW.IRANAGRICULTURE.COM

مجله دام کشت و صنعت با مطالب زراعی، دامی، شیلات و آبزیان

جنگل و مرتع، ماشین آلات و ادوات کشاورزی، صنایع غذایی و ...

هر ماهه در خدمت مدیران و فارغ التحصیلان کشاورزی ایران است

برای دریافت اشتراک با

تلفن ۸۸۳۳۹۹۳ و نمابر ۸۸۳۲۳۶۱

تماس حاصل نمایید

را برتر می‌داند، هیچ کس جز خویش را صاحب حق نداند. آنها چون تعصب عقیدتی خودپسندانه فاشیستی را متعالی می‌پنداشتند و به استناد آن، راه را بر هر گفتگویی می‌بستند، لذا در عین اعتلای فرهنگی جامعه، دچار گمراهی و کوردلی شدند و سنگی را به چاه انداختند که عقلای عالم از بیرون آوردنش عاجز ماندند.

رشد فرهنگی برای دریافت حقیقت و رسیدن به دموکراسی لازم است، اما کافی نیست. اگر رشد فرهنگی با آزادی ارتباطات عجین نشود، کفایت مدیریت امور به دست اقتدارگرایان بیافند و بلائی مثل حکومت نازی آلمان نازل شود که می‌بینیم ملت آلمان هنوز پس از گذشت حدود پنجاه و اندی سال نتوانسته از پیامدهای ویرانگرش رهایی یابد.

در کشورهایی که متأسفانه هنوز روحیه قهرمان پرستی بر اکثریت مردم سایه انداخته، باید به هر شکل ممکن کوشید تا با گسترش اطلاع رسانی و آزادی کسب اطلاعات، درصدد تدوین سیاست‌های ارتباطی به نحوی برآمد که در نهایت به «آزادی ارتباطات» منجر شود و دانایی، این مهم‌ترین عامل قدرتمندی در قرن بیست و یکم، رادر پی بیاورد.

در چنین کشورهایی باید ابتدا به مردم باوراند که همه، حتی بزرگان دین و دانش و معرفت، حتی مقام‌های عالی‌رتبه مملکتی، حتی نیکمردان و بزرگواران هم ممکن است - ولو بسیار جزئی - عیب و نقص داشته باشند و یا حداقل در بعضی موارد سخنی به خطابگویند و یا تصمیمی اشتباه بگیرند. این واقعاً آفت بزرگ دانایی است که اقتدارگرایان بخواهند نقایص و خطاهای خود را پشت پرده مبهم‌گویی و عدم شفافیت پنهان کنند و با تمام قدرت مانع «آزادی ارتباطات» شوند.

در سایه احترام به اندیشه طرف مقابل به دست نمی‌آید.

بعضی‌ها می‌گویند: اگر رشد فرهنگی باشد، نه ابهام‌انگیزی خواهد بود، نه اقتدارگرائی حکومتگران، و به این ترتیب، نیازچندانی به آزادی ارتباطات، که به دنبال احترام به اندیشه طرف مقابل پیش می‌آید، نخواهد بود، زیرا رشد فرهنگی باعث دستیابی به حقیقت خواهد شد.

اما واقعیت این است که رشد فرهنگی یک جامعه - با همه اهمیت خود - نه برای دستیابی به حقیقت کفایت می‌کند و نه برای رسیدن به دموکراسی. بهترین مثال در این مورد، توجه به وضعیت کشور آلمان در فاصله سال‌های دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ میلادی است. منظور سال‌هایی است که یک جریان بی‌منطق و مخرب تحت عنوان نازیسم توانست مردم با فرهنگ آلمان را مجذوب خود کند و آنها را در اقیانوسی از کینه‌ورزی و تعصب جاهلانه و خودخواهی بی‌منطق غوطه‌ور ساخته، اعتبار و حیثیت ملت آلمان را به باد دهد.

ملت آلمان در آن زمان نه تنها رشد فرهنگی داشت، که از نظر فرهنگی سرآمد بسیاری از ملت‌ها بود. کشور کانت و هگل و مارکس و باخ و بتیون و توماس مان، از نظر فلسفه و هنر و علم و اقصادر مقامی بسیار والا قرار داشت. از نظر تعصب مذهبی نیز مردم آلمان چیزی کم نداشتند. اما چه شد که این ملت اسیر نازیسم شد و دین و دل و عقل به مرام و مسلکی باخت که آکنده از تعصبات جاهلانه و خودپسندیهای کوردلانه بود؟ دلیلش فقط یک چیز بود. اقتدارگرائی حکومت آلمان به مردم قبولانده بود که: حقیقت از لوله تفنگ بیرون می‌آید و حق با کسی است که چماق به دست دارد. این طرز فکر به مردم آلمان باورانه بود که بهیچ وجه به اندیشه طرف مقابل احترام نگذارد و چون خود

آثار وجود خودکامگی و اقتدارگرائی بیشتر هویدا می‌شود. تا جایی که وقتی به بالاترین سطح مدیریتی کشورهای جهان سوم می‌نگریم، کمتر نشانی از آزادمندی می‌یابیم. دلیلش هم جز این نیست که دولت حافظ نظم اجتماعی است و هر نهادی که حافظ نظم اجتماعی باشد، طبعاً باید از کسانی که مخل آزادی انسانها هستند، سلب آزادی کند. بنابراین نهادی که رسالتش سلب آزادی (از بدکاران و مفسدان) باشد، ممکن است در تشخیص عناصر بد و خوب دچار اشتباه شود و آزادی خوبان را نیز محدود کند. زیرا خوبان یکی از رسالت‌هایشان - به حکم وظیفه - دلسوزی و انتقاد است. و چون اکثراً دولتها - به حکم طبیعتشان - انتقادکنندگان را دوست ندارند، پس دچار اشتباه می‌شوند و از دلسوزان جامعه هم سلب آزادی می‌کنند. به این ترتیب است که راه انتقاد از حکومتها بسته می‌شود و معایب و نارسائی‌ها پنهان می‌ماند. ولی این نکته باید همواره مدنظر حکومتگران قرار داشته باشد که «حقیقت هرگز از لوله تفنگ بیرون نمی‌آید. آنچه که حقیقت را آشکار می‌کند احترام به اندیشه طرف مقابل است، حتی اگر مخالف تمام عیار باشد». احترام به اندیشه طرف مقابل، هم انسان را به درک حقیقت نزدیک می‌کند و هم به دموکراسی واقعی. مسأله البته احترام است، نه قبول.

احترام به اندیشه مقابل، هم مانع ابهام‌انگیزی در انتشار اطلاعات و اخبار می‌شود و هم در پیشبرد اهداف منتفی به امر «آزادی ارتباطات» مؤثر است. در حالی که اقتدارگرائی در مدیریت امور، هم آزادی ارتباطات را کور می‌کند و هم مانع افزایش دانایی می‌شود. لذا وقتی دانایی در قرن بیست و یکم عامل اصلی قدرتمندی است، قهراً باید به «آزادی ارتباطات» اندیشید و این آزادی هم جز



A Reliable Name In Tourism Industry
نامی آشنا و مطمئن در صنعت توریسم

تهران - خیابان دکتر علی شریعتی - پلاک ۱۹۰۷
تلفن: ۳۷۱۰۱۹۱ - ۲۷۱۷۱۷۹
پست الکترونیکی: Holiday@neda.net



شرکت جهانگردی و مسافرتی تعطیلات تقدیم می‌کند

۲۵ سال سابقه
در امر گردشگری

✓ اخذ ویزای ایران برای مهمانان خارجی (افزادی - گروهی)

✓ برگزارکننده تورهای خارجی به کشورهای آسیا - اروپا - آفریقا

✓ تورهای روزانه به کیش - برگزاری کلاسهای غواصی در کیش

✓ برگزارکننده تورهای داخلی

✓ تشکیل تورهای اختصاصی برای نمایشگاهها و کنفرانسها در ایران و سایر کشورها